

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباراد
بین بوم و بر زنده یک تن مباراد
همه سر به سر تن په کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Iran's M.

afgazad@gmail.com

آینه ایران

پانته آ بهرامی
۲۰۱۹ دسمبر ۹

نگاهی ژرفتر به عل و زمینه های خیزش آبان [عقرب] خونین

رابطه معنادار میان سند «چارچوب اصلاح ساختاری» و سیاست های صندوق بین المللی پول



- AFP ۲۰۱۹ نومبر ۱۷

با کنکاش در مورد اعتراضات خونین در خیزش آبان ماه [عقرب] و پایگاه های اجتماعی آن، اکنون روشن شده است که فقر، بیکاری، گرانی، رانتخواری، نبود یک آینده روشن و بالاخره در یک کلام، توزیع ناعادلانه ثروت، از عل و اعتراضات سراسری بود. بی تردید، نبود آزادی و تبعیض در همه عرصه ها و انسداد سیاسی که در نارضایتی های سرکوفته چهار دهه گذشته ریشه داشت، توانست به بهانه سه برابر شدن بهای بنزین، به سرعت عصیان را در بیش از صد شهر در گستره جغرافیای سیاسی ایران، رادیکالیزه و قهرآمیز کند. این مقاله، به عوامل اقتصادی که یکی از ریشه های اساسی این عصیان عمومی بود، می پردازد.

افزایش بهای بنزین تنها نقطه آغاز دهای بسته ریاضت اقتصادی بر مبنای سند «چارچوب اصلاح ساختاری با رویکرد قطع وابستگی مستقیم بودجه به نفت» در کشور است که فشار آن مطمئناً بر دوش اقشار فروپست و بخش های میانی و پائینی طبقه متوسط سنگینی خواهد کرد. چه حکومت باقی بماند و چه رژیمی در پس آن بیاید که چنین بسته های

ریاضت اقتصادی را که براساس رهنمودهای بانک تجارت و صندوق بین‌المللی پول پایه ریزی شده است، دنبال کند، در بر همین پاشنه خواهد چرخید. بی‌دلیل نیست که حلقه گشده اعترافات جهانی، از واسکت‌های زرد در فرانسه و هائیتی تا چیلی و اکوادور و عراق، توزیع ناعادلانه ثروت بر اساس سیاست‌های نولیبرالی است. پژوهش‌های اقتصاددانان نشان می‌دهد که ثروت، قدرت سیاسی می‌آورد. در نتیجه، افرادی که صاحب ثروت هستند، قادر اند اراده شان را در قالب قوانین و مقرراتی که تجلی منافع صاحبان سرمایه است، تحمیل کنند. بنابراین، آنجا که سرمایه انشای می‌شود، قدرت سیاسی نیز حاکم می‌گردد.

در نگاه کلان: اقتصاد ایران، دولتی یا نولیبرالیستی؟

نولیبرالیسم نوعی از سرمایه‌داری است که بازار در آن نقش اصلی را دارد و دولت، نقشی ورای حمایت از بازار (سرمایه) ندارد. با این تعریف، دکتر رضا قربیشی، استاد اقتصاد سیاسی در دانشگاه استاکتون، براین باور است که اقتصاد ایران نه نولیبرال، که سرمایه‌داری دولتی و آغشته به رگه‌های عقب مانده ماقبل مدن، مانند قبیله‌گرانی، باندباری و حضور نهادهای مذهبی، نظامی و مافیانی است که نتیجه آن، تشدید فساد و رانت خواری است. «یکی از اشکالات اقتصاد ایران، نقش سنگین دولت مفسد و نهادهای شبه دولتی در عملکرد بازار است.» دکتر آرش کیا، پژوهشگر و استاد دانشگاه در نیویورک، معتقد است که اقتصاد ایران از نظم نولیبرالیسم پیروی می‌کند. او نولیبرالیسم را روندی تعریف می‌کند که دولت را دنبلارو بازار می‌داند و به شکلی نظاممند، باعث اضمحلال مناسبات اجتماعی و جایگزین شدن آن‌ها با مناسبات کالائی می‌شود. بنا به این تعریف و از دیدگاه او، «ویژگی‌های ساختاری این روند، با خصوصی‌سازی، مقرر ارزشی، آزادی کامل در تجارت و ریاضت اقتصادی همراه است.» به این اعتبار، خصوصی‌سازی لجام گسیخته در عرصه آموزش، سلامت و بهداشت عمومی، خدمات شهری، و حتی تولید (مانند واگذاری کشت و صنعت هفت تپه یا هپکو به بخش خصوصی) و مقرر ارزشی در حوزه‌های مالی، نقی، محیط‌زیست یا تجارت آزاد که در صادرات و واردات بی‌رویه و بحران عمیق کشاورزی نمود می‌یابد، از نظامی پیرو نولیبرالیسم حکایت دارد. حسین راغفر، اقتصاددان، که مدیر پژوهه حمایت‌های اجتماعی بانک جهانی در ایران بوده است، در مصاحبه‌ای با نشریه «فرهنگ امروز» با عنوان «حکمرانی نولیبرالیسم در اقتصاد ایران»، می‌گوید: «این پدیده هیچ قیدی برای انشای سرمایه قابل نیست.» او معتقد است که فقر، محصول نظام اجتماعی است و نمی‌توان آن را طبیعی انگاشت.

در نگاه خرد شاخص‌های سیاست‌های نولیبرالی

دکتر رضا قربیشی، استاد اقتصاد سیاسی در دانشگاه استاکتون، سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول را بر اقتصاد ایران تعیین کننده نمی‌داند. وی استدلال می‌کند که از سوئی، بدھی خارجی جمهوری اسلامی کم است، چه هیچ نهاد یا دولتی حاضر به دادن قرض یا سرمایه‌گذاری در ایران نیست و از سوی دیگر، اختصاص وام از جانب صندوق بین‌المللی پول نیز نیاز به تأیید دولت امریکا دارد که با سیاست فشار حداکثری آن بر حکومت ایران، در مقطع کنونی این موضوع منطقی است. او تصمیم دولت جمهوری اسلامی ایران را برای افزایش بهای بنزین (یا حذف سوبسید و فروش بنزین به بهائی نزدیکتر به بهای واقعی آن) بر پایه منطق اقتصادی حکومت می‌داند و قشر «برنده» در ارزانی بنزین را نه اقتشار پائین، بلکه اقتشار میانی و بالای جامعه می‌داند، و اضافه می‌کند که «بازنده اصلی، برادران قاچاقچی هستند که سالانه یک میلیارد دالر به کشورهای همسایه قاچاق می‌کنند، زیرا قیمت بنزین در آنها چند برابر ایران است.» در

مقابل، دکتر آرش کیا سیاست افزایش بهای سوخت از جمله بنزین را در مجموعه نظم سیاست‌های نؤلیبرالی می‌شمارد که بدون بالابردن دستمزدها، گلوی طبقات فروdest جامعه را می‌فشارد و استثمار داخلی را به استثمار جهانی پیوند می‌زند.

کارکرد سند ۴۰ صفحه‌های «چارچوب اصلاح ساختاری» چیست؟

سند ۴۰ صفحه‌های با نام «چارچوب اصلاح ساختاری با رویکرد قطع وابستگی مستقیم بودجه به نفت» که رسانه‌ها کمتر به آن پرداخته‌اند، در اوایل سال ۹۸ به منظور کاهش هزینه‌های غیرضروری و جلوگیری از تأثیر مخرب تحریم‌ها منتشر شد. شاخص‌های کلیدی اقتصادی آن، انبیاشت بدھی‌های دولت، کسری صندوق‌های بازنشستگی، و ناترازی نظام مناسکی است. نگاهی به این سند، رابطه معناداری میان سیاست‌های آن و رهنمودهای صندوق بین‌المللی پول و بانک تجارت روشن می‌کند؛ از جمله کاهش دستمزدها، حذف سوابی‌سازی، حذف سوابی‌سازی، کوچک شدن دولت، برداشتن تعرفه‌های گمرکی، افزایش هزینه خدمات عمومی، و بالابردن قیمت سوخت تا سطح جهانی. به عبارت دیگر، «تعديل ساختاری» به معنای ادغام اقتصاد کشورهای در حال توسعه در بازار جهانی سرمایه است.

بزرگترین جراحی اقتصادی ایران

پس از انقلاب ۵۷، حکومت جمهوری اسلامی توانست تقریباً همه سرمایه‌های زمان پهلوی را به نفع خود مصادره کند. حکومت تا سال ۶۹ مشغول قلع و قمع اپوزیسیون و درگیر جنگ بود. از زمان دولت رفسنجانی، سیاست تعديل نیروی کار کلید خورد، اما اوج سیاست‌های نؤلیبرالی، در دوران احمدی‌نژاد به وقوع پیوست و بر آن مبنای تشدید خصوصی‌سازی، حذف تدریجی یارانه‌ها، وضع مالیات بر ارزش افزوده و سهمیه بندی و افزایش بهای بنزین در دستور کار قرار گرفت. کارشناسان، تعديل اقتصادی احمدی‌نژاد را بزرگترین جراحی اقتصاد ایران پس از اصلاحات ارضی پهلوی می‌دانند. در زمان احمدی‌نژاد، با درآمد بالای ۷۰۰ میلیاردی نفت، بحران اقتصادی نمود بیرونی نداشت. امروز، دومین تعديل اقتصادی در چهار دهه اخیر، براساس همین سند صورت می‌گیرد. به عنوان نمونه، در این سند حذف یارانه برخی از کالاهای، از جمله گندم در حوزه کشاورزی، به اضافه حذف یارانه‌های آب، برق و گاز نانوائی‌های سنتی، مورد نظر است که تأثیر جهشی بر روی کالاهای وابسته خواهد گذاشت.

چرا تصمیم‌های شورای عالی هماهنگی اقتصادی محروم است؟

کاهش فروش نفت، پائین آمدن تولید، رانتخواری عوامل وابسته به حکومت و فساد در سپاه و دیگر دستگاه‌های نظام، موجب کمبود بودجه شدید حکومت شده است. نظام بخوبی آگاه است که تعديل اقتصادی، فشار را بر روی افشار فروdest جامعه یعنی حاشیه‌نشینان، کارگران، معلمان، مزدگیران و باز نشسته‌ها افزایش خواهد داد. علت محرومیه بودن تصمیم‌های شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوای سه‌گانه، آگاهی از همین اصل و هراس از شورش‌های اجتماعی است که در پی خواهد آمد. این نهاد، سال گذشته در پی یک ابلاغیه از سوی علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، تشکیل شد که به دولت روحانی دستور برنامه‌ریزی و اجرای اقداماتی را داد که در لفافه عنوان زیبای «اصلاح ساختاری بودجه» مطرح شد. زمان این اقدام، شاید از دید حکومت بهترین مقطع بود، چرا که به بیان تحریم‌های امریکا می‌تواند از یک سو مخالفت‌های داخلی را سرکوب کند، و از سوی دیگر زمینه را برای تحکیم «اصلاح ساختاری» آماده کند.

اصلاح ساختاری در چه زمینه‌های عمل خواهد کرد؟

بهطور خلاصه، این سند بسته‌های ریاضت اقتصادی را در چهار گروه بر سر قشرهای تهییدست جامعه فعال می‌کند. نخست، حذف یارانه‌ها، دوم، افزایش مالیات‌ها، سوم، تغییر نظام بازنیستگی، و چهارم، تشدید خصوصی‌سازی. بر این مبنای، ۶۳۱ بنگاه در همه حوزه‌ها، از شرکت آب و فاضلاب تا نیروگاه و هواپیمایی، هتل‌ها، کشت و صنعت و پالایشگاه‌ها، خصوصی می‌شود. با آن که میزان یارانه‌ها اندک است، اما در عین حال یک دهم درآمد یک خانواده ۴ نفری با حداقل دستمزد را شامل می‌شود. با طرح بعدی، خانواده‌هایی که بر فرض بالای ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشند، از لیست دریافت یارانه حذف می‌شوند. در مورد طرح بیمه سلامت و خدمات درمانی، تا کنون ۳۴ میلیون نفر تحت پوشش بوده‌اند. افراد تحت پوشش، بهطور عمده دانشجو یا کارگران غیررسمی، مستغروشان، بیکاران، زنان خانه‌دار، کارگران روزمزد و قرارداد مؤقت بوده‌اند. در طرح جدید، تنها کسانی که درآمدشان زیر ۴۰ درصد حداقل دستمزد باشد، زیر پوشش قرار می‌گیرند. در پیوند با طرح یارانه‌های انرژی، در پی آزادسازی قیمت بنزین، بهای آن قرار است ۴ برابر شود که در مرحله اول سه برابر شد و به عصیان خونین آبان ماه [عقرب] انجامید. حتی همین میزان، موجب سونامی قیمت‌ها خواهد شد. مالیات بر ارزش افزوده در دوران احمدی‌نژاد ۶ درصد و در زمان روحانی به ۹ درصد رسید. مالیات برای افرادی با درآمدهای نجومی در ایران ۳۵ درصد خواهد بود، در حالی که در فرانسه ۵۵ درصد، در امریکا ۴۳ درصد، و در کانادا ۵۳ درصد است. ضرورتی جدی، حکم می‌کند که رسانه‌ها در مورد این سند که زندگی میلیون‌ها ایرانی را درگیر خواهد کرد، موشکافی و اطلاع‌رسانی کنند.

جمعه ۱۵ آذر [قوس] ۱۳۹۸ برابر با ۶ دسامبر ۲۰۱۹